خبر

تصویب طرح حریم امنیتی مرز گلستان

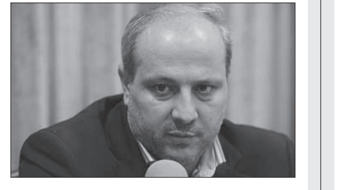

استاندار گلستان گفت: طرح حریم امنیتی مرز گلستان پس از ارائه توضیحات در بیست و پنجمین نشست کار ویژه مرز شورای امنیت کشور به ریاست رحمانی فضلی وزیر کشور، تصویب شد. به گزارش ایرنا، سیدمناف هاشمی اظهارکرد: در سال های گذشته اقدامات موثری برای کنترل و بالا بردن ضریب حفاظتی و امنیتی مرز انجام شده که به دلیل مشخص نبودن نحوه مدیریت و کنترل مرز، فعالیت ها به علل مختلف مورد آسیب قرار گرفته است. وی افزود: اینک با تصویب طرح حریم امنیتی مرز استان گلستان؛ اعتبارات مصوب سالانه در راستای امنیت مرزی برای اجرای طرح هایی از جمله مجهز شدن به دوربین های مدار بسته به استان اختصاص خواهد یافت. استاندار گلستان اظهار کرد: تعریف حریم مرزی با هدف اجرای ماموریت های پیشگیرانه و جلوگیری از تهدیدات احتمالی ضرورتی مهم برای پایداری بیشتر امنیت کشور است. هاشمی ادامه داد: طرح حریم امنیتی مرز استان گلستان پس از مطالعات فراوان و بازدیدهای میدانی به صورت مشترک با کارگروه امنیتی، انتظامی و حقوقی کارویژه مرز شورای امنیت کشور و کمیته امنیت و عمران مرز و کار ویژه مرز شورای تامین استان تدوین و پس از پیگیری ها به تصویب رسید. وی اظهار کرد: در این طرح محدوده های امنیتی در همه ۴۳۸ کیلومتر نوار مرزی استان و نحوه انجام فعالیت ها در این محدوده ها مشخص شده است. استاندار گلستان گفت: در این طرح توجه به پروتکل های بین المللی، تامین امنیت پایدار مرز و تسهیل برای انجام ماموریت های مرزبانان در اولویت فعالیت ها قرار گرفته است. وی افزود: در مراحل تدوین و ویرایش طرح، کاهش مشکلات مرزنشینان و فراهم آوردن امکان انجام فعالیت های اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و دامداری توسط آنان و دستگاه های فعال در حوزه مرزی مورد توجه ویژه قرار دارد. استاندار گلستان تسهیل در جذب اعتبارات در حوزه مرزی، کنترل ترددهای غیرمجاز و کاهش احتمال ایجاد مشکل توسط کشور مقابل برای تردد در حوزه مرزهای آبی و خاکی، ایجاد استراتژی واحد در تعاملات با کشور همسایه و توسعه پایدار مناطق مرزی را از نتایج اجرای این طرح دانست.

امنیت کشور مرهون صلابت نیروهای مسلح است

فرمانده انتظامی گلستان از نیروهای مسلح به عنوان مستحکم ترین و باصلابت ترین ابزار نظام جمهوری اسلامی ایران نام برد. به گزارش مهر، سردار علی اکبر جاویدان در جمع کارکنان پایور و وظیفه قرارگاه عملیاتی لشکر ۳۰ و تیپ ۲۳۰ متحرک هجومی شهید متاجی گرگان با تبریک ایام دهه فجر اظهار کرد: نظام عزیز ما از هر نظر نادر و ویژه است و باید از نعماتی که به واسطه پیروزی انقلاب برخوردار شده ایم خداوند را شاکر باشیم. سردار جاویدان افزود: وجود ارزشمند ولایت فقیه و اسلام ناب محمدی از جمله نعمت هایی هستند که با پیروزی انقلاب اسلامی محقق شدند. وی با اشاره به حدیثی از امام اول شیعیان گفت: امام علی (ع)، نیروهای مسلح را عزت دین، زینت زمامداران و مایه امنیت برای مردم عنوان کرده است که این صفات در نیروهای مسلح ما به وضوح مشخص و متجلی است. وی تصریح کرد: نیروهای مسلح، مستحکم ترین و باصلابت ترین ابزار حکومت و فراجناحی هستند و هیچ امنیتی جز با صلابت آنان تحقق نمی یابد. فرمانده انتظامی گلستان با مقایسه شرایط قبل با بعد از انقلاب بیان کرد: آمریکا و رژیم طاغوت تلاش بسیاری کردند تا مانع پیروزی انقلاب شوند اما با درایت و مدیریت امام راحل و همراهی مردم، هدف آنها ناکام ماند. سردار جاویدان ادامه داد: دشمن گمان می کرد پس از چندی، انقلاب از مسیر اصلی منحرف و یا ساقط شود اما از آنجایی که انقلاب ما الهی بود، با قدرت به مسیرش ادامه داده است.وی با اشاره به ریشه های اختلاف و دشمنی امریکا با ایران گفت: ماهیت نظام جمهوری اسلامی بر پایه ظلم ستیزی و ترویج اسلام و ارزش های دینی است و منافع حیاتی امریکا ۱۸۰ درجه با ما متفاوت است.

آلودگی ساکنان مسکن مهر را آزار می دهد

وضعیت نامساعد بهداشتی و زیست محیطی مسکن مهر کاج گنبد کاووس، شرایط زندگی را برای ساکنان این مجتمع دشوار کرده و کودکان را در معرض بیماری‌های عفونی قرار داده است. نزدیک به چهار سال از افتتاح و واگذاری مسکن مهر کاج گنبد کاووس که قرار بود سقفی امن و محیطی آرام برای ساکنان آن باشد می‌گذرد، اما ساکنان این مجتمع همچنان از شرایط نامساعد زیست محیطی و بهداشتی محیط اطراف رنج می‌برند. زباله‌های انباشت شده، افزایش حیوانات و حشرات موذی، وضعیت نامناسب آسفالت و تجمع فاضلاب و آب‌های سطحی از جمله مشکلاتی است که به گفته ساکنان این مجتمع سال‌ها گریبان آنها را گرفته و به طور خاص کودکان را در معرض بیماری‌های عفونی و ویروسی قرار داده است. ساکنان مسکن مهر کاج گنبدکاووس در حالی با این مشکلات روبرو هستند که آبان ماه امسال اسدالله پناه یزدان، سرپرست مدیریت مسکن وساختمان، راه و شهر سازی گلستان، در مراسم افتتاح مجتمع‌های مهر شهرک بهارستان گنبد کاووس به رسانه‌ها اعلام کرد که دفع آب‌های سطحی و رفع مشکلات آب و فاضلاب و بهداشت محیط در مسکن مهر کاج و زابل آباد، توسط دولت و با اتکاء مالی موجود در آن زمان بود تا با ارائه تسهیلات، آورده متقاضی و یارانه انجام شود که در حال حاضر مسکن مهر کاج، یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان کسر آورده متقاضی دارد که در صورت پرداخت از طرف متقاضیان، آمادگی رفع مشکلات آب‌های سطحی، فاضلاب و آسانسور را خواهیم داشت.

پرداخت هزینه ۴ میلیون تومانی در توان ساکنان نیست

یکی از ساکنان این مجتمع با بیان اینکه برای فاضلاب هر واحد چاهی کنده شده که استاندارد نیست، گفت: این چاه‌ها امکان جذب آب فاضلاب را ندارد، به همین خاطر آب فاضلاب‌های خانگی پشت ساختمان‌ها جمع می‌شود. محمد علی سدنی افزود: برای حل این معضل گفته شده که هر بلوک باید برای زیرسازی چهار میلیون تومان هزینه کند که پرداخت این مبلغ در توان ساکنان نیست. وی نسبت به بی توجهی برخی مسئولان به مشکلات مسکن مهر اشاره کرد و گفت: جمع شدن فاضلاب باعث شده تا بیماری‌های بسیاری در فصل گرما برای ساکنان ایجاد شود و ضرورت دارد که مسئولان رسیدگی کنند.

وضعیت آزار دهنده‌ای را تحمل می‌کنیم

یکی دیگر از ساکنان این مجتمع با بیان اینکه بعد از گذشت چهار سال وضعیت زیست محیطی این مجتمع و اطراف آن تبدیل به زباله‌دانی شده است، گفت: بوی تعفن فاضلاب‌ها و زباله‌ها از یک سو و از سوی دیگر افزایش حیوانات موذی و آلوده چون پشه، سوسک و موش موجب آزار ساکنان این مجتمع شده است. علی اعلمی افزود: زباله‌های اطراف این مجتمع هر چند ماه یکبار جمع آوری می‌شود و وضعیت جدول‌ها و جوی‌های آب نیز بسیار نامناسب است. وی با اشاره به اینکه وضعیت آزار دهنده‌ای را تحمل می‌کنیم، گفت: آلودگی اطراف این مجتمع به قدری زیاد شده است که خانواده‌ها نگران سلامت فرزندان خود هستند، اما با شرایط فعلی و تورم قیمت مسکن امکان جابجایی به مکان دیگری را ندارند.

در قبال خواسته‌هایمان هزینه پرداخت کرده‌ایم

یکی دیگر از ساکنان مجتمع مهر کاج گنبد کاووس با اشاره به بیان اینکه ادامه چنین وضعیتی در چند سال اخیر باعث خجالت مسئولان گنبدی است، گفت: ساکنان حاضر در این مجتمع برای داشتن چنین مسکنی به سازندگان آن پول پرداخت کرده‌اند و آنها موظف که طبق قرارداد این مجتمع را با رعایت کامل اصول ساخت و ساز تحویل دهند، اما از زمان افتتاح تاکنون نه فقط وضعیت این شهرک بهتر نشده که شرایط زندگی را برای ساکنان دشوارتر کرده است. وی با بیان اینکه در قبال خواسته‌هایمان، هزینه پرداخت کرده‌ایم، گفت: در چهار سال اخیر ساکنان این مجتمع پیگیری‌های زیادی را برای رفع مشکلات زیست محیطی داشته‌اند، اما هر بار در برخورد با مسئولان به دربسته خورده‌ایم و جواب سر بالا شنیده‌ایم. سلیمی گفت: انصاف نیست که مشکل کسری بودجه سازندگان را امروز ساکنان این مجتمع برای رفع مشکلات تقبل کنند، چرا که بیشتر آنها از اقشار کم درآمد هستند.

پیگیری کردیم، جوابی نگرفتیم

یکی دیگر از ساکنان این مجتمع که پیگیر رفع مشکلات این شهرک در دستگاه‌های اجرائی است، گفت: برای رفع مشکل زباله و جمع‌آوری روزانه آن بارها به سراغ شهردار گنبد رفتیم که وی به صراحت اعلام کرد این مساله به شهرداری مربوط نمی‌شود. نادر بابایی افزود: در ادامه این پیگیری‌ها به سراغ محبوبی سرپرست وقت مسکن و شهرسازی که مسکن مهر زیر این سازمان است رفتیم؛ وی وعده داد مشکلات خدمات شهری، فضای سبز و کمبود سطل‌های زباله این مجتمع را پیگیری می‌کند که تاکنون اقدامی صورت نگرفته و اطراف این مجتمع به زباله‌دانی برای دیگر شهروندان تبدیل شده است. وی افزود: این منطقه مسکونی همانند دیگر نقاط شهری از رفتگر روزانه، تمیزی سطل‌های زباله، جمع‌آوری زباله‌ها، حضور بهداشت برای رفع مشکل آلودگی حشرات موذی، برخودار نیست و تاکنون هیچ جواب قانع کننده و یا اقدامی از سوی مسئولان برای رفع این مشکلات صورت نگرفته است.

مشکل فاضلاب به زودی رفع خواهد شد

در ادامه گزارش، برای پیگیری بیشتر مشکلات مطرح شده از سوی ساکنان مجتمع مهر کاج گنبد کاوس به سراغ سرپرست مدیریت مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی گلستان رفتیم که وی با تائید مشکلات موجود در این مجتمع، از شروع کار برای رفع مشکل فاضلاب این شهرک خبر داد. اسدالله پناه یزدان با بیان اینکه به دلیل کمبود اعتبار مشکل فاضلاب این مجتمع مدت مدیدی به حال خود رها شده بود، گفت: در حال حاضر اعتبار تکمیل طرح فاضلاب این مجتمع تامین شده است و به زودی پیمانکار این طرح شروع به کار می‌کند. وی افزود: از مشکل وضعیت آلودگی محیطی توسط فاضلاب گرفته تا زباله‌ها مطلع هستیم، اما فقط بخش تکمیل فاز فاضلاب به این اداره کل باز می‌گردد. پناه یزدان با بیان اینکه یکی از موارد رفع مشکل زباله برای این مجتمع عنوان کرد و گفت: برای رفع این مشکلات بارها با شهرداری گنبد کاووس مذاکره شده است و شهرداری نیز از ساکنان این مجتمع تقاضا کرد تا با تشکیل هیات امنا و یک نماینده به این امور رسیدگی کند. وی ادامه داد: تاکنون اهالی این مجتمع اقدام به تشکیل هیات امنا و معرفی نماینده به شهرداری نکرده‌اند، اما مدام منتظر پیگیری شهرداری هستند. وی گفت: با اینکه حضور در جلسه شورای مسکن گنبد کاووس خارج از مسئولیتم بود، اما برای حل معضلات مسکن مهر کاج در این جلسه شرکت کردم و پیگیر رفع مشکلات زیست محیطی آن شدم. یزدان پناه افزود: همکاری نکردن ساکنان این مجتمع برای تشکیل هیات امنا و رسیدگی شهرداری به وضعیت زیست محیطی این مجتمع باعث بروز چنین مشکلاتی در اطراف آن شده است. وی گفت: با تشکیل این هیات امنا و انتخاب یک نماینده برای معرفی به شهرداری و مرکز بهداشت خدمات رسانی به این مجتمع و ساکنان آن آسان‌تر خواهد شد.

آزمون ورودی تیزهوشان حذف شد

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه بر اساس تصمیم شورای عالی آموزش و پرورش برگزاری آزمون‌های تستی در دوره ابتدایی، استفاده از کتب کمک آموزشی و ورود موسساتی که به این بهانه وارد مدارس ابتدایی می‌شدند همگی ممنوع شد گفت: همچنین دیگر آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان برگزار نمی‌شود. رضوان حکیم زاده در گفت‌وگو با ایسنا، جزئیات ممنوعیت برگزاری آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان در پایه هفتم را تبیین و اظهار کرد: با توجه به مفاد سند تحول بنیادین و اهدافی که برای دوره ابتدایی مبنی بر محور بودن جریان تربیت در کلیه فعالیت‌های آموزش و پرورش مشخص شده، در شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم گرفته شد در دوره ابتدایی مجالی را فراهم کنیم که این جریان مهم تحت الشعاع هیچ امر دیگری قرار نگیرد.وی افزود: از این جهت قرار شد کلیه عواملی که باعث می‌شوند تعلیم و تربیت در دوره ابتدایی تغییر جهت دهد و به یکسری آزمون‌های تستی تقلیل یابد و محورهای اساسی یاد شده از جمله مهارت آموزی، شاداب بودن و نشاط داشتن دانش آموزان به دست فراموشی سپرده شود را مورد توجه جدی قرار داده و بر آنها تمرکز کنیم. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه بر این اساس برگزاری آزمون‌های تستی در دوره ابتدایی و استفاده از کتب کمک آموزشی و ورود موسساتی که به این بهانه وارد مدارس ابتدایی می‌شدند همگی ممنوع می‌شود گفت: همچنین دیگر آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان برگزار نمی‌شود.حکیم‌زاده ادامه داد: آزمون تیزهوشان و نمونه دولتی در پایه هفتم اثرات مخربی روی دوره ابتدایی داشت و یکی از مطالبات جدی خانواده‌ها این بود زیرا با توجه به رقابت ناسالمی که شکل گرفته بود، پروسه بسیار استرس زایی بود و هزینه‌های بسیاری نیز در برداشت. در این میان خانواده‌هایی که متمکن بودند می‌توانستند وارد کلاس‌های خاص شوند که زمینه سودجویی برخی موسسات را فراهم کرده بود. از سوی دیگر خانواده هایی که شرایط مالی نداشتند برچسب عدم توانمندی و باهوش نبودن به فرزندانشان می‌خورد که به لحاظ تربیتی آسیب رسان بود. وی با تاکید بر اینکه بازگرداندن نشاط به دوران کودکی و محور قرار دادن تربیت در دوره ابتدایی از مزایای خوب این مصوبه است و اگر بگوییم ۷.۵ میلیون دانش آموز ابتدایی از این غول استرس زای آزمون ورودی رها شدند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم ادامه داد:امروز می‌توانیم خوشحال باشیم یکی از مهمترین و ارزشمندترین تصمیمات گرفته شده که می‌تواند مقدمات اجرایی شدن سند تحول را به شکل صددرصدی در دوره ابتدایی فراهم کند و جا دارد به معلمان ابتدایی، دانش آموزان و خانواده‌ها برای ایجاد چنین فرصت ارزشمندی تبریک بگوییم. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش درباره نحوه ورود به مدارس سمپاد پس از اتخاذ این تصمیم گفت: با توجه به اینکه دیگر آزمونی برگزار نمی‌کنیم، دیگر ورودی به پایه هفتم در این مدارس نخواهیم داشت و دانش آموزان آزمون دوره دوم شرکت می‌کنند لذا تمرکز برای شناسایی و جذب و دادن فرصت به این دانش آموزان منوط به زمانی می‌شود که سنشان بیشتر شده باشد.حکیم زاده، ارزشیابی توصیفی رامغایر با برگزاری آزمون در پایه هفتم دانست و گفت: امیدواریم روی ابزارهای خوب در دوره دوم برای شناسایی استعدادها هم کار شود و بچه‌ها صرفا بر اساس یکسری مهارت‌های ریاضی برچسب تیزهوش بودن و یا نبودن نخورند. با حذف آزمون ورودی تربیت جانی دوباره در دوره ابتدایی می‌گیرد و فشاری که به خانواده‌ها وارد می‌شد، از بین می‌رود.وی اضافه کرد: اکنون آنها که در دوره اول پذیرش شدند درسشان را ادامه می‌دهند و وارد دوره دوم می‌شوند، اما برای سال تحصیلی آینده پذیرش جدید در دوره اول متوسطه نخواهیم‌داشت.

پرداخت تسهیلات به ۵۲۸ طرح در گلستان

حامد قندهاری– مدیر صندوق کارآفرینی گلستان گفت: از ابتدای سال تا کنون ۴۳۲ میلیارد ریال تسهیلات برای ۵۲۸ طرح به متقاضیان پرداخت شده است. حسن پهلوری اظهار کرد: بیش از ۹۰ درصد کسب و کارهای استان را مشاغل خرد و کوچک بر عهده دارند که حمایت از این صاحبان این مشاغل در اولویت وظایف صندوق قرار دارد. وی افزود: سهم کشوری این صندوق یک هزار میلیارد تومان است که از این رقم سهم استان گلستان ۳۸۶ درصد معادل ۲۵۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که تاکنون ۱۴ میلیارد تومان آن محقق شده است. پهلوری افزود: افرادی که در سامانه «کارا» برای دریافت تسهیلات از این صندوق ثبت نام می‌کنند، تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان و به بالا نسبت به طرح ارسالی خود تسهیلات دریافت می‌کنند. وی ادامه داد: از ابتدای سال تاکنون ۴۳۲ میلیارد ریال تسهیلات برای ۵۲۸ طرح به متقاضیان پرداخت شده است که نزدیک به یک هزار شغل ایجاد کرده است. پهلوری گفت:این صندوق طرح‌های جدیدی برای اشتغال‌زایی بخصوص در مناطق روستایی و محروم استان در دست دارد که اجرای طرح ۱۴ روستای بدون بیکار که از مصوبات استانی بوده است، هم اکنون در دست بررسی و اقدام است. وی افزود: در این طرح بنا داریم تا با شعار هر روستایی یک محصول روستائیان را به کسب و کارهای خرد، اما پردرآمدی هدایت کنیم که سقف تسهیلات اعطایی برای این متقاضیان ۲۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان، بابیان اینکه تعداد ۹۰ صندوق خرد برای زنان روستایی راه‌اندازی شده است، اظهار کرد: این طرح از ابتدای سال ۹۷ شروع خواهد شد که بر اساس آن در هر صندوق ۳۰ تا ۵۰ زن روستائی سهیم هستند که با تسهیلات ارائه شده به آن توسط این صندوق متقاضیان زنان می‌توانند از وام ۳۰ میلیون تومانی برای کسب و کارهای کوچک بهره ببرند. وی در ادامه تعداد طرح‌های دهه فجر امسال را ۱۹۲ طرح عنوان کرد و افزود: این طرح‌ها با اعتبار ۱۰ میلیارد تومانی و ایجاد ۲۵۸ فرصت شغلی افتتاح خواهد شد.پهلوری گفت: تا کنون نزدیک به ۲۶۴ متقاضی وام ازدواج با مبلغ دو میلیارد و ۷۷۰ میلیون تومان از این صندوق تسهیلات دریافت کرده‌اند.وی افزود: این صندوق با ایجاد تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرائی استان توانستیم سهم عمده‌ای در ایجاد اشتغال گلستانی‌ها داشته باشد، که این همکاری نقش مهمی در کاهش بیکاری استان خواهد داشت.مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان، از اجرای برخی طرح‌های زنجیره‌ای اقتصادی در استان سخن گفت و افزود: در حال حاضر برخی سرمایه گذاران با دریافت تسهیلات با ارقام بالا از این صندوق سعی دارند کسب و کار های زنجیره‌ای در استان ایجاد کنند که بخش زیادی از مشکل بیکاری استان بواسطه آن حل خواهد کرد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۸۸/۸۶ مترمربع پلاک ۱۹۵۶ فرعی از ۸۹ ـ اصلی بخش۳ ثبت گرگان ملکی خانم اقل¬دواق صدقی عرب¬علیا فرزند صوفی در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ جاده گرگان ـ جهاد مرکزی ـ کوچه دانشجو ۱۳بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۱۹۶ م الف

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان مینودشت تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است.لذا مشخصات متقاضیان و املاک موردتقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله پانزده روز از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار و محلی آگهی می شود. در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت مینودشت تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست

آگهی نوبتی و تحدید حدود قسمتی از پلاک ۲۶-اصلی بخش نه محدودی شهری مینودشت

۱-کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۳۴آقای/خانم علی قزل سفلو فرزند قربانعلی به مقدار ۲۸ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم و تنظیم اظهارنامه ثبتی به مقدار۹۲ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۸۸/۸۵ مترمربع را تشکیل که آگهی نوبتی و تحدیدی قسمتی از پلاک ۲۶-اصلی آن انتقالی مع الواسطه از ذبیح اله قزل سوفلو پلاک ۴۸-اصلی بخش نه محدودی شهری مینودشت

۲-کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۶- آقای/خانم ولی الله سنجه ونلی فرزند محمدرضا مقدار ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۹/۱۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۷۵ انتقالی مع الواسطه از ابراهیم قره سوفلو

۳-کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۷- آقای/خانم مهسا میرزائی فرزند عباسعلی مقدار ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۳۹/۷۶ مترمربع پلاک فرعی ۳۲۳ انتقالی مع الواسطه از علیرضا علیزاده

۴- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۷- آقای/خانم منصوره تقی زاده مالک فرزند علی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۶۱/۶۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۲۷ انتقالی مع الواسطه از حسین قره چماقلو

۵- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۶- آقای/خانم میترا قزل سفلو فرزند علی اکبر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۶۱/۶۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۲۷ انتقالی مع الواسطه از حسین قره چماقلو

۶- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۴۴- آقای/خانم علی شهرکی فرزند عباسعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۱۳/۳۸ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۲ انتقالی مع الواسطه از عباسعلی شهرکی

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۰۵

حسین باغبانی– رئیس ثبت اسناد و املاک مینودشت / م –الف: ۸۶۸۵

خبر

کشف دو تن ماهی کفال و کپور قاچاق در بندرترکمن

فرمانده انتظامی بندرترکمن از کشف دو تن ماهی کپور و کفال قاچاق به ارزش ۳۲۰ میلیون ریال و دستگیری ۲ نفر خبر داد. حسین پهلوان دلیر در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: در این عملیات، ماموریـن یگان امداد از بازرسی دو دستگاه وانت نیسان این میزان ماهی قاچاق را کشف کردند، متهمان با تشکیل پرونده به مراجع قضایی دلالت داده شدند و خودروها نیز توقیف شد. وی صیانت و حراست از مواهب الهی دریای خزر را به عنوان یک تکلیف عمومی دانست و افزود: یکی از وظایف نیروی انتظامی، حفاظت از انفال عمومی است و یکی از راهکارهای جلوگیری از صید غیرمجاز، فرهنگ‌سازی و اطلاع رسانی است.بندرترکمن به سبب همجواری با دریای خزر تعداد زیادی ماهیگیر و صیاد دارد که بخشی از آنان در قالب تعاونی صیادی (پره) و شرکت های وابسته به ماهیان خاویاری فعالیت می کنند و برخی نیز به صورت غیر مجاز فعال هستند.

هیچ کوتاهی در برخورد با قصور پزشکی سارینا نخواهیم کرد

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان بابیان اینکه در مورد پرونده سارینا توضیح لازم را به مقام قضایی خواهیم داد، گفت: در برخورد با موارد قصور هیچ کوتاهی نخواهیم کرد. عباس بدخشان در گفتگو با مهر اظهار کرد: سارینا دختر هشت‌ساله در روز (۲۵ دی) ماه ساعت ۸:۳۰ عصر به دلیل عفونت شدید به مراکز درمانی مراجعه و بستری شد. وی افزود: این بیمار در دو نوبت ویزیت می‌شود و پزشک دارو برای آن تجویز می‌کند که در یک نوبت دارو «مترو متازول» را تجویز می‌کند. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: ویال مترومتازول که باید در سرم ریخته می‌شد به دلیل شباهت زیاد بین ویال و دارو دیگر، در سرم ریخته و باعث کاهش سطح هوشیاری شدید کودک می‌شود. وی تصریح کرد: زمانی که پرستار متوجه می‌شود بیمار به خواب‌رفته سریعاً به پزشک مراجعه می‌کند و کارهای اولیه برای سم‌زدایی انجام می‌شود و پس‌ازآن دستور اعزام به بیمارستان مجهز داده شد. بدخشان بابیان اینکه اگرچه سیر بیمار امیدوارکننده بود اما هنوز کاهش سطح هوشیاری وجود دارد، اظهار کرد: حرکت‌های خود به خودی در اندام مانند باز کردن چشم‌ها و نگاه کردن به اطراف که در بیمار وجود دارد و می‌توان گفت روند رو به بهبود است. وی با اشاره به اینکه اکنون بررسی‌های ریشه‌ای انجام و گزارش‌ها به وزارت بهداشت ارسال شد، تصریح کرد: طی روزهای یکشنبه و دوشنبه به‌محض اینکه پرونده ازلحاظ بررسی‌های خودمان انجام شود به مراجع قانونی و قضایی فرستاده خواهد شد تا مورد پیگیری قرار گیرد. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: همراه با این پرونده خود خانواده شکایتی را مطرح کردند که از طرف دستگاه قضایی در حال پیگیری است، نامه‌ها انجام شد و ماهم جواب مقام قضایی را خواهیم داد و در برخورد با موارد قصور هیچ کوتاهی نخواهیم کرد.وی افزود: برای اینکه میزان قصور مشخص شود از داروخانه تا تزریق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کشف ۶۵۰ لیتر مشروبات الکلی در کمالان گلستان

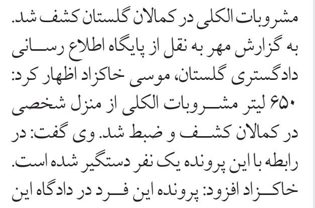

رئیس دادگاه بخش کمالان گفت: ۶۵۰ لیتر مشروبات الکلی در کمالان گلستان کشف شد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری گلستان، موسی خاکزاد اظهار کرد: ۶۵۰ لیتر مشروبات الکلی از منزل شخصی در کمالان کشف و ضبط شد. وی گفت: در رابطه با این پرونده یک نفر دستگیر شده است. خاکزاد افزود: پرونده این فرد در دادگاه این بخش تشکیل و در مرحله رسیدگی است.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

تامپنداری که راهی کوته است

نقش پیچیده‌ی دانش در دگرگونی‌ها
:ورخدادهایسیاسی اجتماعی جامعه
موردسیدجوادطباطبایی

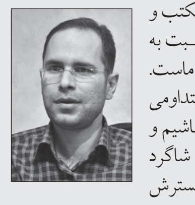

صادق پیوسته–شاید بشود گفت مکتب و شاگرد پروردن، از ضعف‌های ما نسبت به اروپایی‌ها و نسبت به گذشته‌ی خود ماست. ما در سده‌های اخیر، کمتر توانسته‌ایمتداومی از سنت‌های فکری خودمان داشته باشیم و تنها تک‌ستاره‌هاییداشته‌ایم. با این حال، شاگرد همان مرید نیست. شاگردان، سنت را گسترش می‌دهند و تداوم‌بخش آن هستند. شاگردان قرار است از استاد خود فراتر روند و از او بیاغازند نه این که به او بینجامند. شاگردان بیش از تخصص، منش و آداب استاد را فرا می‌گیرند و جمعی عالمانه را می‌سازند تا بخشی از جامعه‌ی علمی باشد. در عوض، در ایران، اغلب عاشق آموزگاران خود شده‌ایم و مرید و سینه‌چاکشان ویابه کلی متنفر از آنان و دشنام‌گوی‌شان.

اشتباه این است که استاد را می‌خواهیمکه‌سخنگوی ما ا نزد حاکمان باشد چرا که می‌خواهیم از اعتبار استاد، خیلی خام و جنگجویانه، برای مقابله با حاکم استفاده کنیم در حالی که اگر استاد و شاگردان در یک سنت فکری درست پیش بروند، مردم و در ادامه، حاکمان به استفاده از دستاوردهای فکری و عملی آنان نیازمند خواهند شد. چنیناندیشه‌ای را جدینمی‌گیریم چون می‌خواهیم خیلی سریع همه چیز را دگرگون کنیم. اعتماد به نیروی دانش در تداوم تاریخی آن، یعنی اندیشیدن برپایه‌ی سنت فکری و ساختن آینده برپایه‌ی آن، چیزی است که نیازمند آن هستیم و کمتر به آن باور داریم. خیلی از دانش و اهمیت آن دم می‌زنیم اما در واقع به آن باور نداریم. اگر باور داشته باشیم، مرغ تخم‌طلای دانش و دانش‌ورزی را نمی‌کشیم و برای لذت یک وعده غذا، کباب نمی‌کنیم.

من فکر می‌کنم جوایزی که این روزها دکتر سیدجواد طباطباییگرفتند و پیش از این نیست بسیاری از بزرگان در شرایط مشابه گرفته بودند و استفاده‌ای که از دانش آنان می‌شود، به خاطر درک مزایای آنها نیز است. وقتی عظمت تفکر، ایده، فن یا هر چیز دیگر معلوم شود، دیگران هم به دنبال آن خواهند رفت. چاقو نیست که بگوییم دست این بده، دست آن نده. همه ممکن است از دانش استفاده کنند اما این را هم در نظر بگیریم که هر دانشی، ارزش‌بار (valueladen) است یعنی با خود، اقتضاهایی دارد. برای مثال،وقتی از نظریه‌یایرانشهری استفاده کنید، خود به خود، ارزش‌هایجهان‌وطنیبا کنار می‌روندیا تنها در هماهنگی با ملیت (نه به معنایتخاصم‌آمیز آن) ارزشمند می‌شوند.

یک مثال آشکار نگاه اشتباه ما به دانش و باور نداشتن به نفوذ دانش در جامعه و اثر دگرگون‌کننده‌ی آن، پیشرفت‌هایی است که به پهلوی‌ها نسبت می‌دهیم. بدون تردید، پهلوی اول و دوم، چهره‌ی ایران را دگرگون کردند. طرح نوسازی را ریختند و از بیخ و بن، شهرها و راه‌ها و نظام اداری و آموزشی کشور را مدرنیزه کردند. با این حال، آیا شخص شاه این کار را کرد؟ آیا نظام پادشاهی این کار را کرد؟ بسیاری چنین می‌اندیشند. اشتباه همینجاست. آنان تحول عظیمی را که با درک نسبی انحطاط و احساس نیاز به دانش جدید و فرستادن دانشجو به اروپا و ایجاد «مؤسسات تمدنی جدید»(به اصطلاح آن روز) پدید آمد، نادیده می‌گیرند. در چنین نگاهی، شخصی مثل فروغی،یک نوکر شاه است مثل نوکرهای دیگر. اینهمان اشتباه تاریخی بزرگ است. فروغی و امثال او و پایه‌گذاران ایران مدرن(به اصطلاح آبراهامیان) هستند. این‌ها حاصل آن چرخش و درک نسبی انحطاط و فرزندان دانش جدید هستند.

آری! ممکن بود به جایپهلوی‌ها، افراد دیگری باشند و ورود و تأثیر این دانش را نپذیرند. با این حال، ممکن بود به جایخفقانی که در بیشتر سال‌های حکومت پهلوی داشتیم، راه بهتری هم برای پیشرفت باشد. وقتی تمام اعتراض‌ها و کوشش‌های دیگران را در آن دوره، یاغی‌گری و تجزیه‌طلبی و ارتجاع ببینیم، هر آنچه نو است می‌ماند برای نوسازی پهلوی و ایرانیان هم می‌شوند ملتی احمق و بی‌حافظه و خوشی‌زیردل‌زده که از روی بیماری، حرکات چپکی می‌کنند و شورش و انقلاب می‌کنند. حال آن که احمق پنداشتن مردم، راه حل نیست. پاک کردن صورت مسأله است. حتی اگر در مقطعی کار مردم را اشتباهببینیم، بایدبگوییم چه شده است که چنان شده‌اند و چنینکرده‌اند.

مسأله این است که آرمان‌های جنبش مشروطه را که برآمده از چرخشیعقل‌گرایانه بودوحتی با سد قاجار متوقف نشد،نمی‌بینیم. بسیار یازجلوه‌هایمدرن‌شدن ایران از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز شد. این‌ها بود که آرمان‌های مشروطه را متبلور و مشروطه‌خواهان را راهی تهران کرد. بسیاری از آنان، بسی بهتر از رضاشاه می‌توانستند کشور را مدرنیزه کنند و حتی شاید می‌توانستند با تشکیل دوباره‌ی مجلس مؤسسان، قانون اساسی مشروطه را به درستی پیاده کنند و در توافقی جمعی و با همکاری مشروطه‌خواهان نقاط مختلف، نه تنها مدرنیزه شدن بلکه تجربه‌ی بهتری از مدرنیته پدید آورند. رضاشاه آنان را نابود کرد. مدرن‌شدنتنها در حد نوسازی اقتصادی (آن هم تبعیض‌آمیز) در حکومت پهلوی برآورده شد. رانه‌ی اصلی تغییر، آن دگرگونی و فهم نسبی انحطاط و دانش‌هایکسب‌شده به واسطه‌ی این فهم و تأثیر آن‌ها در جامعه به واسطه‌یدانش‌ورزی و کنش‌هایاگاهانه‌ی گروه‌هایی از مردم بود (و است) که در دوره‌ای مثل پهلوی،انگیزه‌ی نوسازی و صنعتی‌سازی حکومت هم با آن همراه شد. فقط کافی است به ورود و حتینهادینه‌شدن بسیاری از پدیده‌های مدرن در ایران عصر ناصری بنگریم تا ببینیم چگونه اندک اندکخواسته‌های مردم به واسطه‌یکنش‌های گروه‌هایی از آنان اوج می‌گیرد.

بنابراین، نسبت دادن پیشرفت به شاه و حکومت، چندان درست نیست همان گونه که نسبت دادن تمام ستم‌های آن دوران به آنان درست نیست؛ همان کاری که بعدها در کتاب‌های درسی پس از انقلاب باب شد. این‌ها یعنی فروکاستن جامعه به حکومت و حتی فرد حاکم و در نتیجه یعنی سیاست‌نشناسی و جامعه‌نشناسی. علوم اجتماعی و سیاسی با درک پیچیدگی تاریخ‌پدیده‌ها، نیروها و نهادهای اجتماعی آغاز می‌شوند و رویکردی متفاوت با فروکاستن جامعه به فرد یا فرمول‌های ثابت تاریخی دارند.

در ایران، مکتب تبریز (که طباطبایی به ظرافت آن را دریافته است) آغازگاهی بود برایدرک نسبی انحطاط و سرانجام، ورود دانش‌هایی جدید که آهسته آهسته ما را دگرگون کردند و بیش از این نیز پیش خواهند برد. با این نگاه، آدم‌های حکومت می‌آیند و می‌روند. آدم‌های اهل دانش هستند که ریشه‌های پیشرفت را برمی‌سازند. همینجاست که پافشاری طباطبایی بر نمایش زخم عمیق تاریخی ما در پرکتیس روشنفکری ایرانی اهمیت پیدا می‌کند. در میانه‌ی راه دگرگونی‌هایی بزرگ که بدون بستن ناف پیشرفت به دوستی و دشمنی با حاکمان پیشمی‌رفت، کسانی پدیدار شدند که نام خود را روشنفکر گذاشتند. کسانی که بهترین‌نمونه‌ی آنان، جلال آل احمد است. تفاوت آنان با امثال فروغی این بود که به عملکرد دانش باور جدی نداشتند چرا که شناخت درستی هم از آن نداشتند. آنان از دانش، ابزار شورشمی ساختند تا یک شبه همه چیز را دگرگون کنند. اگر امثال فروغی در دربار رفت و آمد داشتند، به خاطر این بود که دربار و هر کس دیگری به آنان احساس نیاز می‌کرد. آنان نیز البته اجابت می‌کردند چون موضوع آنان، دربار نبود. موضوع آنان، ایران بود. هر آنجا که می‌شد دانش را عرضه کرد و ترویج کرد و به کار بست، حاضر بودند. روشنفکران جلالی اما کارشان شوراندن مردم بود و (است و) آنگاه که به دانش آنان نیاز است نیز چیزی در چنته ندارند یا اگر دارند، چنان خود را در رابطه‌ی سلبی با حاکمان (و حتی گاه عامه‌ی مردم به اتهام فریبی که از حاکمان خورده‌اند) تعریف کرده‌اند که به کنج خلوت خودمی‌نشینند و تنها به رد اندیشه‌های دیگران می‌پردازند. به طباطبایی باز گردیم. جایزه‌ای که به او به عنوان برگزیده‌ی نخست، در دوره‌ی نهم جشنواره‌ی فارابی برای کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا» داده شد، بسیار معنادار است. بسیاری مدعیان بودند که بسیار به غرب تاختند و از جنگ سنت و مدرنیته گفتند. آنان هر روز همچون بت عیار در رسانه‌ها آمدند و رفتند. گروهی نیز با برچسب‌های رنگارنگ، دانشگاه را از وجود طباطبای و امثال او محروم کردند. با این حال، او عزم خود را جزم کرد و نه‌تنها در مورد ایران که پروژه‌ی فکری اصلی اوست، در مورد همان غرب که بسیاری، بسیار در موردش گفتند و هیچ تأمل قابل توجهی نکردند، آثاری پربار نوشت. امروز او در همان جایی ایستاده است که آنان خالی کردند. استادی که استاد شعار نبود، کار کرد. نه کناره گرفت و نه از ایران گریخت و نه چاره را در شوراندن دوستدارانش برعلیه این و آن دید. در همان کشوری که در دانشگاه رسما کنارش گذاشته بودند، شایسته‌ی عنوان بهترین محقق شد. آن هم در همان موردی که مدعیان شعارگوی بسیار دارد. او بود که مرتبه یافت بی آن که مرتبه را از این و آن طلب کند. مرتبه یافت زیرا چنان پرتوی افکنده بود که نمی‌شد به هیچ شکل نادیده‌اش گرفت.

طباطبایی از آغاز جدل‌هایی مایه‌ای که با نام جنگ سنت و مدرنیته برپا بود، کنار ایستاده بود و گفته بود که بدون فهم سنت، فهم مدرنیته ممکن نیست و بدون سنت، مدرنیته نداریم. او امروز در مورد نصوص سنت چهارگانه‌یاندیشه‌ی سیاسی در ایران، تولیدهای فکری ارزشمندی دارد. در مورد نظام‌هاینوآییناندیشه‌ی سیاسی در غرب نیز چنین است. آن ادعاها در مقابل سال‌ها کار پیگیر دانش‌ورزانه، سر فرود آورده‌اند و امروز، روز شکیبایی پیروزمندانه است.

درکتاب خواجه نظام‌الملکو در جاهایی دیگر، طباطبایی به نظام‌الملک و وزاری پارسی دوران تمدن اسلامی اشاره می‌کند. در آن وضعیت جور و جفا بر ایرانیان، آیاخاندان‌های صاحب دانش ایرانی، کناره گرفتند و قهر کردند و زهر ریختند یا به میدان آمدند تا دانش خود را در تنظیم امور ملک و ملت جاری سازند؟ چه کسانی سنت سیاست‌نامه‌ها را تداوم بخشیدند؟آنچه که طباطبایی تا کنون از آن سخن گفته است، نه کناره‌گیری بوده استو نه لشکرآراستن مقابل حاکمان. نه این که دلداده‌ی حاکمان یا حضور در دم و دستگاه‌های دولت باشد. اصلا نه این و نه آن، در محدوده‌ی مباحث او نیست. او به پدید آوردن دانشی درباره‌ی ایران و گشایش‌بخش بودن تدریجی آن باور دارد. این تصوری از دانش است که او دارد و آنان که می‌اندیشند تنها در نسبت با دم و دستگاه حاکم می‌توان از دانش سخن گفت، ندارند.

شایگان؛ روشن فکری بهداشتی صادره از جنوب

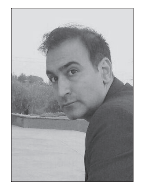

اسماعیل نوشاد – پرداختن به روشن فکری مانند شایگان موضوعی پیچیده می نماید. او در غرب به دنیا آمده و بزرگ شده و تربیتی غربی یافته،امابه یکباره به‌طور«غریزی» فهمیده که باید تربیت غربی اش را در «پستو» گذارد و به اصل خود باز گردد: به ایران. اما در این باز گشت نیز چندان به سان اندیشمندان ایرانی نمود نمی کند. او نه مانند «آخرین بارقه های سنت ایرانی» مثل علامه طباطبایی، سنتی و برخاسته از دل سنت است؛ و نه مانند روشن فکرانی چون فردید «گسست ها» را نادیده می گیرد و به راحتی سنت شرقی و غربی را در هم می آمیزد و معجونی عجیب می سازد. بلکه به شدت حواسش به این گسست های تاریخی و جغرافیایی هست و شرق و غرب را اول به طور جداگانه می پذیرد. او هم می پذیرد که شرق به شدت از غرب عقب افتاده و هم می پذیرد که غرب با تمام رشد علمی و تکنولوزیکی اش چیزی کم دارد.اما برای قضاوت در مورد شرق و غرب باید از هردوی این تمدن ها فاصله بگیرد و تکیه گاهی مطمئن برای نگاه به شرق اسلامی و غرب مدرن پیدا کند. نقش این تکیه گاه را در اندیشهٔ او هند بازی می کند.هند از طرفی برای او یادآور عرفان ابن عربی است و از طرفی سوژه‌ای اصیل برای بررسی نظریه کهن الگوهای کارل گوستاو یونگ؛ بنابراین می تواند نقش یک واسط میان شرق و غرب را برای او بازی کرده باشد.او خود را از نظر روان شناختی شرقی می داند. به عرفان شرقی دلبسته است و این جهان را با همه رنگارنگی اش «لعبه ای» ناپایدار و فریبا میداند. شرق برای وی «زبان اساطیر» است، «جغرافیای بصیرت»،تسلیم و رضایت در برابر خدا و طبیعت و به لحاظ اجتماعی «حوصله داشتن برای دیگری»، خدمت بی مزد و منت، کرامت و بخشندگی؛ ویژگی هایی که زندگی حرفه ای و عینیت گرای غرب دیگر به آنها فرصت بروز نمی دهد.در عین حال شایگان اقرار دارد که از نظر «کار و تفکر» متفاوت است، در برخوردش با چیزها «خونسردانه» از آنها فاصله می گیرد تا از «ذهنیت» شرقی دور شود و به «عینیت» غربی برسد. اقرار می کند که مدرنیته جهانی شده است و دیگر هیچ سنتی آن گونه که در گذشته در دسترس بود، در دسترس نیست. او دیگر به تاریخی چینی یا هندی یا ایرانی باور ندارد. مدرنیته پیوندهای قومی را سست کرد و به اختلاط هویت های فرهنگی انجامید؛ پدیده ای که شایگان به آن «چندگانگی فرهنگی» می گوید. او به روشنی هم روان احساسی شرقی اش و هم عینیت سرد غربی اش را می پذیرد و ابایی از اقرار به گسست روانی اش مابین شرق و غرب ندارد. چرا که او به «مراتب آگاهی» باور دارد و نه یک آگاهی یک پارچه. شاید به همین دلیل است که با ایده آلیسم آلمانی میانهٔ خوبی ندارد و اندیشهٔ مدرن مناسب و«بهداشتی» را اندیشهٔ کانت می داند که گسست ها را مد نظر دارد و سعی نمی کند توسط دیالکتیک ایده یا ماده، بین این مراتب پیوستگی به وجود آورد. از نظر او آنچه امروز در آمریکا می گذرد یعنی «هم زیستی موزاییک» وار فرهنگ های متفاوت در کنار یکدیگر، هم زیستی ای که ناشی از مهاجرت های گسترده از شرق به غرب است، فردای جهان است. اما پرسش اساسی این است که این هم زیستی موزاییک وار یا چندگانگی فرهنگی چگونه ممکن است؟ از کجا معلوم این رویارویی به خشونت منجر نشود؟ بعضی از اقوام مانند چشم بادامی های شرق دور این غلبه غرب را در عینیت پذیرفته اند ،ولی بسیاری در شرق اسلامی به رویارویی با آن برآمده اند و به نظر می رسد که ما به سمت نظریهٔ «برخورد تمدن» های هانتینگتون می رویم، نه نظم موزاییک وار و همزیستی چندفرهنگی شایگان. این خطر را خود شایگان نیز حس می کند و به آن در نوشته هایش پرداخته است. از نظر او این برخورد امکان ندارد، چراکه اکنون مدرنیته جهانی شده و اصولا تمدنی مستقل و غیر غربی باقی نمانده تا به رویارویی با غرب بپردازد.در زمانه ای که دیگر «مراکز بزرگ ارزشها» وجود ندارند و فقط مراکز اقتصادی مانند نیویورک و لندن و توکیو وجود دارند، ما همگی در فضای آمیختگی فرهنگی به سر می بریم. دیگر روح ملی یا قومی ای در کار نیست و تکنولوژی و اقتصاد در قالب شرکت های چند ملیتی و فراملیتی عمل می کنند. در این شرایط است که روایت های کلان قومی و مذهبی و ملی- به قول لیوتار- فرو می ریزند و خرده روایت هایی منطقه ای و «موزاییکی» جای آنها را می گیرند.اولین مشکل چنین نظریه ای این است که مقام انتولوژیکی امکان داوری در مورد این خرده روایت ها را به شایگان می دهد؟ اگر روایت کلی وجود ندارد،چگونه می توان دو یا چند خورده روایت را به نحوی «عینی» مقایسه کرد؟ به نظر می رسد که شایگان این مشکل را با ورود جایگاه سوم حل می کند. به هند می رود تا از آنجا رویارویی اسلام و غرب را به داوری بنشیند. به ایران می آید تا رویارویی هند و غرب را داوری کند و از جایگاهی غربی هند و ایران را مقایسه می کند و بدین ترتیب با پرش بر روی این موزاییک ها امکان مشاهدهٔ دیگری ها را فراهم می آورد. اما پرسش دوم که اساسی تر است این است که شایگان چگونه این همزیستی را بر می نهد؟ به نظر می رسد که او با جدا کردن ذهنیت و عینیت این کار را انجام می دهد. از نظر شایگان واقعیت این است که مدرنیته تاریخ جهانی را فتح کرده است. عینیت از آن غرب است و فرهنگ های دیگر دیر یا زود با وجود مقاومت های گذرا و مقطعی راهی جز پذیرش آن ندارند. انسان فعلی راهی جز کار حرفه ای در ساخت خاص اقتصاد لیبرالی که روز به روز «جهانی» تر می شود ندارد. اما باز هم به عقیدهٔ او غرب عینیت گرا و تکنولوژیک که به لحاظ اقتصادی تا این اندازه قدرتمند است، به لحاظ روحی و عاطفی روز به روز فقیرتر می شود.عقلی که تقریبا منجمد شده،«خود را با غریزهٔ بقا همسان خواهد گرفت» و تا آنجا پیش خواهد رفت تا به امحاء کامل روح برسد. در اینجاست که شایگان شرق را برای بازخرید روح به کمک می طلبد و آن را چونان «تعطیلی روز هفتم»، در حوزه ای «خصوصی» به یاری می طلبد. گویی مشکل غربیان این است که پس از هفت روز عینیت گرایی نمی توانند روز هفتم را در کنار خانواده برای حوزهٔ خصوصی خود به مصرف برسانند. آنها این روز را به مانند روزهای قبل به رقابت با دیگران می پردازند. می خواهند که از همه بیشتر لذت ببرند. به جای پرداختن به روح و زندگی خصوصی خود به محافل تفریح عمومی پناه می برند و در غوغای این مراکز تفریحی درد فقدان روح و احساسات خود را به فراموشی می سپارند. به نظر می رسد که تنها از این نظرگاه خصوصی است که فرهنگ های متفاوت می توانند وارد شوند و در عرض یکدیگر آن منظره ای را بسازند که شایگان در سواحل لوس آنجلس دیده بود: از گذشته های بسیار دور تا امروز تکنولوژیک، ازطب سوزنی چینی گرفته تا یوگای هندی و ماساژ ژاپنی و.. همه وهمه در عرض یکدیگر :برای تفریح: شرق به مثابه تفریگاه روح خسته از عینیت سرد غربی.نکتهٔ دیگری را که باید در اندیشهٔ شایگان در این فضای چند فرهنگی در نظر گرفت نظریهٔ وحدت در کثرتی است که او از عرفان ایرانی به همراه خود دارد. از نظر وی تمامی این تفاوتها وحدتی را نشان می دهند که در پس آنها نشسته است و البته این وحدت نیز خصوصی است و راهی به عینیت ندارد؛ یا بهتر بگوییم تضادی با عینیت ندارد: هرچیزی به جای خود!و برای تجربهٔ آن باید به سیر و سلوکی معنوی در آیین های شرقی پرداخت.شایگان دموکراسی و حقوق برآمده از عصر روشن گری را نیز برای حفاظت از این فضای چند فرهنگی لازم می داند.اما آیا واقعا این پازلی که شایگان برای جامعهٔ چندفرهنگی آمریکا چیده است، «فردا» در بقیهٔ دنیا پیاده می شود؟ این گونه به نظر نمی رسد. شاید بزرگترین ضعف نظری شایگان چشم پوشی وی از اقتصاد سیاسی باشد.یعنی دقیقا همان قسمتی از تاریخ اندیشهٔ غربی که او آن را «غیربهداشتی» می داند. هگل و مارکس: کسانی که برخلاف شایگان به گسست های عبور ناپذیر باور ندارند و می خواهند آگاهی انسان را در کلیتی منسجم و تاریخی برنهند. شایگان کانت را می پذیرد، زیرا به گسست های عبور ناپذیر فلسفی اش نیاز دارد. نیچه را نیز می پذیرد،چون به پیام نهیلیسم اش یعنی فروپاشی کلان روایت ها و قرار گرفتن روایت های خورد در عرض یکدیگر نیاز دارد،اما هگل و مارکس را نمی تواند بپذیرد.آخر آنها خصوصی و عمومی را درهم می آمیزند. آن ساحلی که شایگان با شادمانی از تماشای آن لذت می برد، ساحل «ابرشهر» لوس آنجلس است که به شدت و دقت تحت قوانین عینی تخصیص دهی گفتمانی سیاسی واقتصادی صورتبندی شده است. اما آیا می توان این ابرشهر را نادیده گرفت وتنها به یک بیابان ماسه ای اکتفا کرد. این کار تنها از یک پست مدرنیست ساده بین آمریکایی از طبقهٔ واسپ برمی آید، ویا روشن فکری بهداشتی صادره از جنوب.

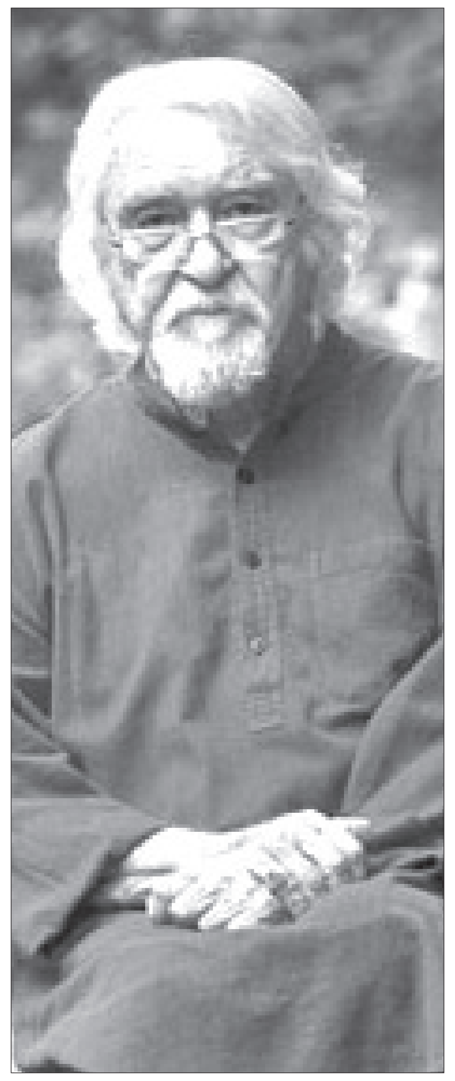

تنهای متناهی

حامد روشنی راد

اگرچه تعریف تنهایی با تعریفِ «نامتناهی» نزدیک است، زیرا تعریفِ صوری نامتناهی امتناع وجودِ شریک بیرون از ذاتِ نامتناهی است و به زبان اسپینوزا در قضیهٔ ۱۴ کتابِ اخلاق «ممکن نیست جز جوهر نامتناهی جوهری موجود باشد» و تنهایی نیز نوعی «امتناعِ غیر» است، اما معنای تجربیِ تنهایی برعکس به «تناهی» نزدیکتر است.معنای انضمامیِ تنهایی «ناتوانی در شناختن دیگری و شناخته شدن توسط دیگری» است. این تنهایی بیشتر با مفهوم «دوستی» در تقابل است. دیوگنس در کتاب «حیات فیلسوفان بزرگ» نقل میکند که ارسطو در کهنسالی مُدام میگفت «انسان نمیتواند با همگان دوست باشد. آنکس که با همگان دوست است با هیچکس دوست نیست». هنگامیکه فرضاً با آثار متفکر یا شاعری آشنا میشویم اما به دلیل محدودیتها نمیتوانیم او را در زمرهٔ نویسندگانی قرار دهیم که آثارشان را مرتّب میخوانیم، دچار احساسی میشویم درست مثل احساس زمانیکه با شخصی آشنا میشویم اما علیرغم میل باطنی نمیتوانیم با او «دوست» شویم. این حس ناتوانی را «تنهایی» مینامیم و تنهایی بدین معنا با «تناهی» مترادف است.

بر اساس این دو تعریف، «تنها» دو گونه است: تنهای متناهی و تنهای نامتناهی. تنهایی برای امر نامتناهی بمعنای یگانگی است یعنی اساسا چیزی غیر از او وجود ندارد. اما تنهایی برای شخص متناهی یعنی ناتوانی در برقراری ارتباط با آن غیر که وجود دارد و «آشناییِ اجمالی» با او داریم اما از شناخت نزدیک و تفصیلی و ناتوانیم. (اگر کلا هیچ شناخت اجمالی و التفات به غیر در کار نباشد وضعیت چندان تفاوتی با «تنهاییِ نامتناهی» نخواهد داشت. در این جملهٔ ارسطو در کتاب سیاست که «تنهاییِ یا از آن خدایان است یا جانوران»، تنهاییِ نامتناهی هم برای خدایان و هم برای جانوران مجاز دانسته شده زیرا در ذات خدایی اساسا غیریّت منتفی است و جانوران نیز چندان به شناخت اغیار اهتمامی ندارند). اما معنای تنهایی انسان متفاوت است: انسان و تنها انسان «تنهای متناهی» است؛ و از آنجا که هر تنهای متناهی ماهیتاً خواستار نامتناهی است لذا ماهیتاً مدنی است و برای تحقق مدنیت و رهایی از تنهایی میکوشد.

در حیاتِ مدنی این تراژدی هرگز انسان را رها نمیکند که «انسان نمیتواند با همگان دوست باشد». یعنی ضرورتاً شناختِ اکثر انسانهای دیگر در همان افق «آشنایی اجمالی» باقی میماند؛ و این شناختِ کلی و مبهم از انسانها در انسانها منشأ «طلبِ نامتناهی» یعنی بستر تقلا برای گسترش مداوم روابط است؛ همچنین این آشنایی همان تعریفِ «همسایگی» در مسیحیت است و تقابل آن با دوستیِ یونانی را باید همینگونه فهمید که نسبتِ همسایگی به دوستی مانند نسبتِ «مادّه» به صورت است یا به زبان پدیدارشناسانه نقش «هیولای شناخت» را دارد: همسایه همان شخص آشناست که وقتی علیرغم میل نمیتوانیم با او دوست شویم، احساس «تنهایی و تناهی» میکنیم. (از دشمنان سرسختِ همسایگی «نیچه» است. او یونانیان را دشمن همسایگی میداند و در چنین گفت زرتشت شعارِ ملتِ یونان را این میداند که «هیچکس را دوست مدار مگر دوست را». حقیقتاً هم کلمهٔ «Xenos» در یونانی همزمان معنای مهمان، بیگانه و جاسوس میداد. ضدیت نیچه با همسایگی از اینروست که قداست یافتنِ آنرا کشندهٔ دوستی [البته برای نیچه بیشتر اروس] میداند که رابطهٔ اصیل و انضمامی میان دو فرد است؛ این جملهٔ او معروف است که «خود را در راه دوست فدا میکنم همسایه ام را نیز»).

پس اینکه «انسان نمیتواند با همگان دوست باشد» تعبیری است از تناهی انسان و رفع آن یعنیِ «دوستی با همگان» ناممکن است، و افراط در کوشش برای تحقق آن صرفاً ارزش و معنای «دوستی» را مسخ و آن را در نوعی همسایگیِ هیولانی دفن میکند: «آنکس که با همگان دوست است با هیچکس دوست نیست». (به عقیدهٔ من گرچه روزگار ارسطو نخستین مراحلِ گذار از وضعیت «دولتشهر» به جهان وطنیِ رومی و سپس کلیسای جهانی است، که برای رواقیان و مسیحیان تجلی و تحققِ نامتناهی در زمین محسوب میشود، اما برای ارسطو نابودیِ دولتشهر بمعنای نابودی «دوستی» و «نسبتِ اصیل با غیر» و تشدیدِ تنهاییِ انسان تاسرحدِ تنهاییِ نامتناهی است).

برگمان، معصومیت و فلسفه

سید مهدی ناظمی قره باغ

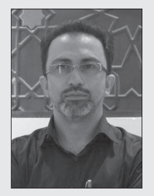

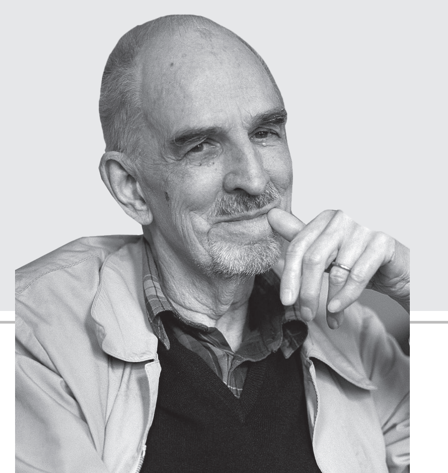کودک و کودکی مضمونی مهم و محوری در آثار برگمان است که مورد توجه بسیاری از صاحب نظران سینما مانند رابین وود، کامینسکی و یا فلسفه مانند ایروینگ سینگر هم قرار گرفته است. از نظر ما، کودک و کودکی در برگمان همان معصومیت نسبی است که انسان باید از درون خود آن را به یاد آورد و به آن فراخوان دهد. این امر خیلی هم سمبولیک نیست و از خود فیلمها قابل برداشت است.رنج یکی از حالتهای وجودی ماست که ما را از وضع عادی خود بیرون می آورد. هنگامی که از حالت عادی خود بیرون آمدیم، می توان پرسش کنیم. بپرسیم که چرا امور این گونه اند. رنج بحران انسان، ابتدا باید اهل تفکر را درگیر کند. به همین دلیل است که در کارهای برگمان، اندیشمند و روشنفکر است که درمی یابد که نمی تواند راهی باز کند، همچنان که خاله کودک در فیلم سکوت، یا الیزابت در پرسونا یا بورگ در توت فرنگیهای وحشی، در وضع خوبی به سر نمی برد و دچار رنج است. در این هنگام است که کودکی خود را فرامی خواند. کودک ناظر همه ی وقایع است و باید راه حلی پیدا کند. البته برگمان آدم رمانتیکی نیست که قائل باشد معصومیت در جایی قرار دارد و ما می توانیم آن را دریابیم. راه فراخوانی کودکی، رویا است.یکی دیگر از موضوعاتی که برگمان در ارتباط با کودکی پی می گیرد، مسئله ی عشق است که در فراخوان معصومیت آن را بدست می آورد. برگمان عشق را محدود به عشق جنسی نمی داند هرچند آن را معتبر می شمارد. او به انواع عشق از جمله عشق مادر به فرزند (برای مثال در فیلم پرسونا) و دیگر انواع عشق که در زمانه ی ما فراموش شده اند می پردازد.در فیلم های برگمان، همه جا فقدان و هجران وجود دارد. این فقدان، نشانگر این است که شالوده ی بشر از هم پاشیده شده است. معضل جایی به سرانجام می رسد که عشق به سرانجام برسد و زایشی نیز رخ دهد. البته گاهی نیز ترس از تولد و فرزند در فیلمها به چشم می خورد. همانند آنچه در فیلم پرسونا به چشم می خورد که مادری عکس فرزند خود را پاره می کند. این ترس از تولد، ترس از آینده است. چون نمی توانیم آن را بفهمیم از آن می ترسیم. ما باید آن را بفهمیم و به استقبال آن برویم و دشمن را به دوست تبدیل کنیم. چون زایش زمانی رخ می دهد که وضع اکنون ما به تلاشی رسیده باشد، معمولا اهل تفکر به استقبال آینده می روند. مقاومت متعلق به غیر از اهل متفکر است. به همین دلیل دیده می شود که اکنون اکثر افراد محافظه کار هستند. کودک را اگر عادت ندهیم، از آسیب دیدن همه رنج می برد چرا که نمی توان با شعار با او برخورد کرد. او به صورت مستقیم چیزها را تجربه می کند. معصومیت چیزی است که در تعامل کودکی با بزرگسالی رخ می دهد. یعنی همانگونه که بزرگسال کودک می شود، کودکی هم از کودکی در می آید، همچون باکره در فیلم چشمه ی باکرگی. زمانی که دختر از باکرگی درآمد، در آن زمان ما شاهد زایش هستیم. در دیالکتیک کودکی و بزرگسالی است که می توان رنج را حس کرد و درباره ی آن فکر کرد و آن مقدار که می توان انتظار داشت، از ساحت رویا به واقعیت منتقل کرد. اینجا رابطه ی دیالکتیکی را عشق به پیش می برد و نه عقل. این رابطه، ارتباط مستقیم و انضمامی ما با چیزهاست و در این ارتباط مستقیم، زایشی برای ما رخ می دهد و می توانیم راهی باز کنیم. البته همه ی این اتفاقات در خود واقعیت روی نمی دهد. اگر اصرار بر این کار کنیم، ممکن است حتی به عکس نتیجه گیریم و به نابودی کمک کنیم.دنیای امروز بنا داشت شرارت را از بین ببرد و به بهشت برسد که در زمین محقق کند، اما ما آن را از یاد برده ایم، چرا که همان طور که متفکرین نشان دادند این امر شدنی نبود. پس به شرایط موجود تن داده ایم. ولی به نظر می رسد با تداوم وضع موجود نیز به بن بست رسیده ایم. آنجا که مسئله می ماند و کهنه می شود و به تروما تبدیل می شود، از مسئله بودن می افتد و چاره ای برای آن اندیشیده نمی شود. در نتیجه باعث مرگ ما می شود. وضع ما نیز چنین است. ۱۰۰ سال پیش مسئله نهلیسم را افراد مختلف در وجوه مختلف بررسی کرده اند، اما آنچنان که باید و شاید، گوش شنوایی وجود نداشته است. شاید ما هم اگر کودکی خود را در یابیم، مسئله برایمان زنده شود و بتوانیم دوباره آن را مورد اندیشه قرار دهیم.